

شناسایی مؤلفه های کاربرست توسعه تعلیم و تربیت در قلمرو مدارس ایران (مطالعه موردی: مدارس استان البرز و قزوین)

۱- ایرج حمیدی

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

1-Iraj Hamidi

PhD student in Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

iraj.hamidi45@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0005-6906-3012>

۲- سعید بهشتی

گروه علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

2-Saeid Behesti

Department of Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

beheshti@atu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-0606-4270>

۳- نجمه وکیلی

گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

3-Najmeh Vakili

Department of Educational Sciences, Tehran Center Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

najmehvakili1339@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0003-3357-8239>

چکیده: امروزه رشد و پیشرفت تعلیم و تربیت مبتنی بر توسعه اثربخش نقش بی‌بدیلی را در بهبود شرایط مدارس ایفا نموده، از طرفی شناسایی مؤلفه‌های کاربرست توسعه تعلیم و تربیت از اهمیت خاصی برخوردار است. هدف پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های کاربرست توسعه تعلیم و تربیت در قلمرو مدارس ایران بود. پژوهش کیفی از نوع پدیدارنگاری است که با روش مصاحبه صورت گرفته. جامعه پژوهش شامل معلمان مدارس استان البرز و قزوین بود که دوازده نفر با نمونه‌گیری هدفمند با تکنیک گلوله برفی تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شد و مصاحبه نیمه ساختار یافته صورت گرفت و متن مصاحبه با روش تحلیل محتوای کیفی تجزیه و تحلیل شد.

به یافته‌ها با سه عینک نگریسته شد، یافته‌ها نشان داد که شناسایی مؤلفه‌های کاربرست توسعه تعلیم و تربیت در قلمرو مدارس ایران مستلزم توجه به سه مقوله اصلی و پانزده زیرمقوله شامل: مقوله‌های انسانی (عزیرمقوله)، آموزشی (۵ زیرمقوله) و مدیریتی (۴ زیرمقوله) است.

کلمات کلیدی: توسعه، رشد، پیشرفت، تغییر و تحول، مدرسه

مقدمه

امروزه در سالهای اخیر تحرک گفتمانی خوبی در باب نقش توسعه در مدارس ایران به طور چشمگیری گسترش پیدا کرده است و حتی دامنه نقش آفرینان این تحرک گفتمانی از خانواده آموزش و پرورش فراتر رفته و دانش، اندیشه و قلم صاحب نظرانی از حوزه‌های مختلف به خود معطوف ساخته است و ورود اندیشمندان عرصه‌ی آموزش و پرورش بسیار ارزشمند است تا مجموعه این گفتمان‌ها و تحرک‌های نظری در حوزه نظام آموزشی و مسائل آن، به یک صورت‌بندی و شاکله منسجمی برسد (نظری، ۱۳۹۷)؛ مدت هاست که به این نتیجه رسیده شده که کار اصلاح کشور، هیچ ربط بنیادینی با برنامه‌های پنج ساله و اسناد توسعه و قیمت نفت و ارزش پول ملی و نظایر اینها ندارد، بلکه توسعه در توجه به نیروی انسانی صورت می‌گیرد، آنهم بویژه توجه به خشت اول کودکی (محمدی، ۱۳۹۷) داوری اردکانی (۱۴۰۱) مهمترین شرط درک توسعه را عزم

راه یافتن و پیمودن راه می داند و در خصوص این موضوع تأکید دارد، توسعه درک آینده ممکن و عزم رفتن و اقامت گزیدن در آن است و عزم کشور برای برخورداری از دستاوردهای آن است.

رنانی (۱۴۰۲) در مسئله توسعه در ایران، توسعه را متشکل از قوس صعود و نزولی می داند که از کودکی آغاز می شود و به کودکی ختم می شود، توسعه یعنی توالی مستمر رفتن ها، رسیدن ها و دوباره شروع کردن ها. از دانه شروع کردن، به جوانه و ساقه و شاخه و شکوفه صعود نمودن و به میوه رسیدن و دوباره از میوه دانه خلق شدن، توسعه بازنمایی سعی در صفا و مروه پرسشگریست، رفتن و بازگشتن و آخر چشمه را یافتن، یعنی عبور از چیستی و رسیدن به چرایی و چگونگی در مدارس است.

رنانی (۱۳۹۷) در تفاوت رشد^۱، پیشرفت^۲ و توسعه^۳ نظر دارد اینکه نباید در آموزش و پرورش رشد، پیشرفت و توسعه را یکی دانست، رشد تکثیر وضع موجود است، پیشرفت در مرحله بالاتری از رشد و به معنای وضع موجود را با فناوری بهتری تکثیر و ارتقاء دادن است، هر دو کمی هستند. رشد یک بُعدی است، اما توسعه به معنای تحول کیفی در پدیده‌ی موجود است، توسعه به معنای تغییر در خلق و خوی فردی و الگوهای رفتاری، اجتماعی و حتی ماهیت پدیده‌هاست. توسعه کیفی ست، چند بُعدی ست و افزایش در شایستگی انسانی است. طبق گفته کریمی (۱۳۹۵) در مورد توسعه انسانی، توجه به توسعه خود شخص، هیچ کس نمی تواند جهان معنا را کشف کند مگر آنکه خود را در جهان معنا کشف کند، هیچ کس نمی تواند نور جهان را ببیند مگر آنکه در خود نوری ببیند، هیچ کس نمی تواند بی آنکه از خود گذشته باشد به خود بازگردد، هیچ کس نمی تواند به فراتر از خود برود مگر آنکه در خود فرو رفته باشد. هیچ کس نمی تواند با اندیشه‌ی نو تغییر کند مگر وجودش نو شود، این نو شدگی وجود است که به ذهن اجازه می دهد اندیشه های نو را خلق یا فهم کند و توسعه اتفاق افتد، اشاره دارد به اینکه ما در توسعه انسانی، قبل از ایجاد انگیزه باید احیای انگیزه صورت گیرد. و دیگر توسعه در کودکی اتفاق می افتد، در حقیقت، اساس بلندی نه بر ارتفاع که بر عمق است و بر اساس رفعت و سربلندی، نه در بالا رفتن، که در فرو رفتن است. همان سان که رشد درختان را، نه از ساقه های سربه فلک کشیده آنها، بلکه از ریشه های فرو رفته شان در خاک می سنجد، پیس ریشه و پایه توسعه کودکی است. (کریمی، ۱۴۰۲)

توسعه در تعلیم و تربیت، گشودن راه های «نارفته»، به کاربرستن شیوه های «ناآزموده»، از کار انداختن روش های «ناشیانه» و ویران کردن اقدامات «نابخردانه» است (همان، ۱۳۹۵) در مورد توسعه انسانی، نوشتن سند تحول، انسان ها را متحول نمی کند، بلکه این انسان تحول یافته است که سند تحول را نه در ذهن و نوشته، بلکه در میدان عمل و صحنه‌ی رفتار تولید می کند. با کلمات و اسناد تحولی، تحول ایجاد نمی شود. تحول با دمیدن روح در این کلمات از جانب انسانهایی ایجاد می شود که این کلمات در درون و از جان تحول یافته‌ی آنها متحول شده است. (همان، ۱۳۹۵)

1. Growth
2. Progress
3. Denelopment

براساس نظر قربانی (۱۴۰۲) در مورد توسعه انسانی، انسان توسعه یافته رویایی در سر دارد، مشق گفت و گو می کند و از دگرگونی در اندیشه و عمل نمی هراسد، از یادگیری نمی ترسد، پیش فرض های ذهنی خود را بر آفتاب می افکند و از هرس شدن مدل های ذهنی خود نمی هراسد. و این همه در جایی به نام کلاس درس به مثابه «کلمه ای طیبه» شدنی است. و در جایی دیگر اذعان می دارد که توسعه فرآیند پیچیده ای است که ابتدا به دست انسان و در نهایت برای انسان صورت و همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را شامل می شود و ناظر بر بهبود کیفیت همه جانبه زندگی اوست، جوهراساسی مفهوم توسعه، فراگرد تغییرات پیچیده و چندوجهی در زندگی انسان است، برای همین می توان گفت توسعه مقوله ای چند بعدی است و توسعه مدارس ایران به دو بال «گفت و گو» و «مشارکت» گره خورده است. وایشان از زبان سرکارآرانی می گوید: توسعه میکروسکوپی نگاه به مسائل آموزش مدرسه است نه تلسکوپی نگاه کردن و از بعدآموزشی توسعه نظر دارد، پرسش های کلاس درس مدارس ایران بیشتر حول «چیستی» امور می گردند تا «چگونگی» و «چرایی» آنها و ارزشیابی هم عموماً حول میزان محفوظات و دانسته های مشخص درباره این موضوعات و بایدها و نبایدهای تکلیفی و دستوری پیرامون آنهاست. در مدارس ایران بیشتر وقت کلاس درس، به انتقال اطلاعات کتابهای درسی و راهنمایی های معلم برای یافتن پاسخ صحیح پرسش های چستی آن صرف می شود.

افزون براین، رقابت جویی بیشتر جلوه می فروشد و گروه بندی دانش آموزان براساس آزمون های تحصیلی، فرهنگ رایج آموزش و یادگیری است.

در مورد توسعه و تغییر آموزشی در مدارس ایران باید گفت: از راه پرسش است که مسئله ها رونمایی می شود. پرسش است که بر طبل تغییر با هدف بهسازی می کوبد. پرسش است که حقوق فردی و اجتماعی را مطالبه می کند. پرسش است که جریان زایایی و پیش رفتن را پیش می راند. و پرسش است که می تواند توسعه از نوع توسعه ایرانی را فراخواند. اما شواهد گویای این است که مدارس ایرانی با پاسخ عجین شده است، پاسخ هایی که قابل اثبات نیست، پاسخ هایی که امکان به پرسش گرفتن از آنها وجود ندارد. پاسخ هایی که به وضعیت موجود مشروعیت می بخشند. پاسخ هایی که دانش آموزان باید در میدان مدرسه حفظ و تکرار کنند (قربانی، ۱۴۰۲)

دربعد مدیریتی توسعه، رویکردها و رهیافت های توسعه را نمی شود داد یا وارد کرد! بلکه رویکردها از جنس فرآیندهاست و ساخته می شود. فراورده ها را می توان خرید، اما فرآیندها را باید ساخت، امروزه هر فرد، عضو و موتور توسعه و نوسازی اجتماعی است. توسعه از جنس تحول درونی یک ملت است، نمی شود جمع کرد، توسعه مستلزم به کارگیری چشم اندازهای فراگیر، برنامه جامع و تلاش همه جانبه و خستگی ناپذیر آحاد مردم و دولت از وجه نظری و عملی است، توسعه هر جامعه نیازمند مدل دهی و راهبرد عینی اختصاصی همان جامعه است که در فرآیند تحول آن زاده می شود و وارداتی نیست، هر مدلی

را نمی توان کپی و استفاده کرد؛ زیرا هر مدلی خواص خودش را دارد پس از بُعد مدیریتی باید در این توجّه ویژه ای کرد. (همان، ۱۴۰۲)

توسعه از بُعد انسانی، آموزشی و مدیریتی این است که آموزش و پرورش که صحنه پرداز یادگیری می باشد، به فرآیند توانمندسازی (دست، قلب و ذهن) افراد اعم از والدین و کارگزاران آموزشی یاری می رساند تا مدرسه ای بسازند که همه افراد آن بکوشند از یکدیگر بیاموزند، معلمان از پرسش های دانش آموزان استقبال کنند، والدین به سوالات فرزندان خود به چشم گوهی انسانی بنگرند، دانش آموزان بیشتر به دنبال فهم مسئله باشند تا پاسخ صحیح آن، سیاست گذاران و تصمیم سازان آموزشی جسارت پرسیدن، شجاعت دانستن و پذیرش مسئولیت های اجتماعی ناشی از آگاهی را برانگیزند، برنامه ریزان آموزشی و درسی تنوع روش ها و منابع برای رسیدن به حقایق علمی را به رسمیت بشناسند و بیش از دانش برمهارت های زندگی تأکید کنند، مدیران آموزش بیش از نتیجه به بهبود فرآیندهای عملی بیندیشند، مربیان امکان خطای آدمیان را بپذیرند و تلاش برای جبران آن را محترم بشمارند، توسعه تغییر لنز و تغییر دید و نگاه از زاویه دیگر است.

جامعه توسعه یافته جامعه ای است که مردمانش کمک می کند تا جهان خود را بسازند، رؤیاهایشان را پیوراند، به دور دست چشم بدوزند و تحقق آرزوهایشان را جستجو کنند، توسعه اکتشافی ست نه اکتسابی، همسازی آنچه داریم و آنچه می خواهیم، بازبینی و بازاندیشی توسعه اکتشافی و عمل است. (همان، ۱۴۰۲)

توسعه مدرسه را متعلق به انسان ها دانستن، فضای مدرسه را فضای پیوند و گفتگو ایجاد کردن، مدرسه را به جهان پیوند زدن و غیره است، توسعه در مدرسه هم بازتولید فرهنگ است و هم تولید فرهنگ، مدرسه وظیفه اش تغییر است، معلم کارگزار تغییر، خود نماد تغییر است و هم امکان تغییر را فراهم می کند، مهم ترین مسئله توسعه، مسئله انسان است و اگر انسان نباشد هیچ چیز و هیچ مسئله دیگری معنا ندارد. (فاضلی، ۱۴۰۱)

هانا آرنست در کتاب «وضع بشر» (۱۴۰۰) می نویسد خاصیت دنیای سرمایه داری، زدودن هرآن چیزی است که خاصیت انسانی دارد. به زعم او انسان ها سه بعد دارند. نخست فیزیولوژی یا به تعبیر او «زحمت» که حفظ بقا مهم ترین هدف آن است و به انسان «زحمتکش» نیاز دارد. وجه دوم، تولید کالا یا «کار» است که برای رسیدن به آسایش و گذران زندگی ضروری است. اما بُعد سوم انسانیت ما، «کنش» است، عملی که با خلاقیت و تغییرات است، زندگی را برای انسان معنادار می سازد.

زحمت و کار هر دو برای بقای جسمانی و اجتماعی ضروری اند و نیاز به آنها به صورت عینی قابل درک است، اما کنش، نه ضرورتی عینی بلکه معنایی ذهنی است که با اعماق وجود انسانی پیوند می خورد.

تغییر توسعه با تغییر فکر معلمی حاصل می شود. زیمیل در کتاب «شوینهاور و نیچه» (۱۳۹۹) از طبع فلسفه سخن می گوید. از این منظر که معلمی هم طبع است، این طبع را باید پرورش داد. به قول هایدگر از آن لحظه است که «به هستی، گشوده می شویم» و به درکی پدیدارشناسانه و درونی از نقش و جایگاه و مسئولیت خود می یابیم. اگر عشق و انتخابی آگاهانه در معلم بودنمان باشد، شهامت و جسارت ایفای آن را هم پیدا می کنیم.

نسیم نیکلاس^۴ (۱۳۹۹) می نویسد جهان پیش بینی ناپذیراست. شوک های عظیم و فاجعه ها پیایی رخ می دهند و در پس آن ها ما تغییر می کنیم. نمی دانیم چه چیز قرار است رخ دهد اما می دانیم که اگر بتوانیم اثری خلق کنیم که به لحاظ وجودی اصیل باشد، برجهان تأثر می گذارد. اپل^۵ (۲۰۱۰) به نقش آموزش در تغییر جامعه پرداخته و نتایج یافته های خود را تلاش برای جنبش در سراسر جهان با ایجاد تغییرات ذکر کرده، دسلر^۶ (۱۳۷۲) هدف از توسعه و آینده نگرانی را محاسبه یا پیش گویی برخی از رویدادها با آتی می داند و می گوید توسعه و آینده نگرانی به مدیر کمک می کند تا شرایط آینده را به خوبی درک کند و برای مشکلات آینده چاره اندیشی نماید. به بیان دیگر هدف اصلی از آینده نگرانی کسب آگاهی درباره رویدادهای نامشخصی است که احتمالاً درآینده روی خواهد داد، از طرفی تحول و آینده برای همه مهم است، بویژه اینکه باقی عمرمان را در آن می گذرانیم. آینده متحول زنجیره فرداهایی است که درپیش روست و برای آیندگان از اهمیت بیشتری برخورداراست.

خنیف و همکاران (۱۳۸۹) الزامات توسعه و تحول در آموزش و پرورش را در بُعد مدیریتی بدین شرح اشاره دارد.

ایشان بازدارنده های برنامه تحول و توسعه مدیریتی در تعلیم و تربیت را، نامطمئن بودن از تغییر، ترس از ناشناخته ها، ترس از برهم خوردن روال عادی، از دست ندادن مزایای موجود ذکر کرده و راهبردهای کاهش مقاومت در برابر تحول و توسعه را بدین منوال ذکر کرده، آموزش ارتباط، ایجاد چشم انداز، مشارکت اعضا در برنامه تحول، تسهیل و پشتیبانی، نتایج ارزشمند، وضعیت های ارزشمند و اهداف عینی قلمداد کرده و کارکردهای مدیریت توسعه و تحول را مواردی از قبیل: بررسی وضعیت موجود، احساس نیاز شدید به ضرورت های تحول، ترسیم وضعیتی مطلوب و نویدبخش، بحرانی جلوه دادن وضعیت موجود، اتخاذ استراتژی جدید، تشکیل کارگروه توانمند، رفع یا کاهش موانع، ایجاد وضعیت اضطراری برای انجام تغییرات، اعمال تغییرات همه جانبه و عمداً همزمان و نهادینه کردن فرهنگ جدید و تثبیت اوضاع برشمرده و برجسته ترین نوآوری های مدرسه را تغییر در شیوه کار معلم، سهیم کردن معلمان و کارکنان در مدیریت و گرداندگی مدرسه، افزایش نیروهای موجه معلم یار،

1. Nasim Nicholas
2. Aple
3. Desler

گسترش کارافزارهای آموزشی و ایجاد عادت به مطالعه و تحقیق در دانش آموزان ترسیم نموده.

نظری (۱۳۹۷) در بیست تغییر ضروری در آموزش و پرورش، می‌گوید توسعه با همراهی آموزش و پرورش، انسانی می‌شود، برای همراهی با توسعه باید تن به تغییرات داد، مهمترین تغییرات ضروری نظام آموزشی را با نگاه توسعه‌ای، درسه بخش و در بیست محور دسته‌بندی کرده که عبارتند از: تغییرات نگرشی - تغییرات ارتباطی و اجتماعی - تغییرات ستاد-مدیریتی. تغییرات نگرشی و مثل: فراهم سازی تفکر انتقادی در مدرسه، دست شستن از ترسیم آموزش و پرورش تخیلی و دور از دسترس، در کنار دینداری و عاطفی، پرورش نیروی عقلی و فکری. تغییرات ارتباطی و اجتماعی مثل: تطبیق آموزش و پرورش با واقعیت‌های جامعه، تاثیرنظام رسانه آموزش و پرورش به افکار جامعه. تغییرات مدیریتی مثل: عدم تمرکزگرایی، ایجاد اتاق فکر، اعتبارآموزش و پرورش را در جای دیگر خرج نکردن بیان کرده.

یکی از مسائل توسعه در مدرسه پرسش و تفکر انتقادی است. کریمی (۱۴۰۳) می‌گوید: هرپرسی باید خلق کننده‌ی «پاسخی فضاگشا» برای تولید و صورت‌بندی «پرسی ساخت گشا» به قصد راه یافتن به افقی والاتر و نگاهی گشوده‌تر باشد. هریشرفتی در علم و هنر و صنعت نیز مرهون طرح پرسش‌های تازه، فرا رفتن از پاسخ‌های به دست آورده و یورش ساختارشکنان به قالب‌های کهنه‌پرستانه بوده است.

کریمی (۱۴۰۱) در پژوهشی دیگری گوید دانش آموز را باید «سؤال مدار» و «جریان مدار» باریباریم نه «نتیجه مدار» ، «نمره مدار» و «محصول مدار» قربانی (۱۴۰۲) هم به تفکرانتقادی در توسعه اشاره دارد، می‌گوید باید در مدارس نقادی باشد نه نقالی.

پیترز و ریکاسودن^۱ (۲۰۰۰) نقش تفکرانتقادی درآموزش را مهم تلقی می‌کند.

کریشنا مورتی^۲ (۱۹۵۳) می‌گوید آموزش و پرورش رسمی، ذهن را به جای پرسش، به سمت انطباق با شرایط سوق می‌دهد.

ویلینگهم^۹ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «چرا دانش‌آموزان مدرسه را دوست ندارند» به پرسش و تفکر انتقادی اشاره دارد و می‌گوید مدرسه برای بسیاری از ما یادآور کلاسهای ملال‌آور، تکالیف گیج‌کننده و اضطراب امتحان است.

فریره^{۱۰} (۱۹۷۴) در پژوهشی با عنوان «تسلیم و تربیت برای بیداری انتقادی، می‌گوید آموزش نباید صرفاً به انتقال دانش محدود شود بلکه باید به ابزاری برای رهایی و دگرگونی اجتماعی تبدیل گردد.

باتوجه به آنچه که گفته شد، این پژوهش به چند دلیل حائز اهمیت است:

۱. این پژوهش تقاد است نه نقال، تفکر قلبی‌ست نه قالبی، اکتشافی‌ست نه اکتسابی.
 ۲. مقاله پایانش آغاز است، در عین یکی بودن یکی نیست
 ۳. پژوهش به مثابه نجوای آب در بسترجویباراست، نجوای مستمر با خود و خوانندگان.
 ۴. مقاله نوعی همسفری، هم‌آموزی، هم‌شنوی و هم‌دیدنی‌ست.
 ۵. مقاله در حین سفرتوسعه از بازبینی و بازاندیشی را دارد و حرکت در مسیر توسعه را افزایش تشنگی مخاطبان می‌داند نه سیراب کردن آنها.
- در مجموع برتری و امتیاز و ویژگیهای این پژوهش این است که زبان حال مردم است، روزانه کسی نیست که مورد رشد، پیشرفت و توسعه تعلیم و تربیت سخنی نگوید.
- از این رو استفاده از توسعه در مدارس می‌تواند نقش به سزایی در پرورش آینده‌سازان جامعه باشد. لذا هدف این پژوهش شناسایی مؤلفه‌های کاربرست توسعه تعلیم و تربیت در قلمرو مدارس ایران است. بنابراین این پژوهش در صدد پاسخ به این سؤال می‌باشد که کاربرست توسعه تعلیم و تربیت در قلمرو مدارس ایران مستلزم چه مؤلفه‌هایی است؟

روش پژوهش

روش پژوهش، طرح یا نقشه راه برای انجام تحقیق است، روش پژوهش یک راهبرد یا رویکرد ساختاریافته برای انجام تحقیق است، انتخاب روش پژوهش مناسب و اجرای صحیح آن نقش مهمی در اعتبار و پایایی یافته‌های تحقیق دارد، روش پژوهش

3. Willingham

4. Freireh

مناسب و اجرای صحیح آن نقش مهمی در اعتبار و پایایی یافته های تحقیق دارد، روش پژوهش، روشی نظام مند جهت دستیابی به هدف پژوهش است و ارزش و اعتبار هر علمی به روش شناسی آن علم برمی گردد.

برای انجام این پژوهش بنا به ماهیت موضوع، از روش کیفی از نوع پدیدارنگاری استفاده شده است. این روش تحقیق، مستلزم مصاحبه با افراد برای درک و نظر افراد از مسأله ای است که پژوهشگر مطرح کرده است و برای دسترسی به داده های غنی، مصاحبه قوی ترین ابزار است (گال و همکاران، ۱۳۹۴). که شامل معلمان استان البرز و قزوین بودند. علل انتخاب این دو استان این بود که پژوهشگر در کسوت معلمی، شناخت کافی از همکاران فرهنگی و موقعیت آموزشی این دو استان دارد. برای انتخاب مصاحبه شوندگان از روش نمونه گیری هدفمند با تکنیک گلوله برفی استفاده شد. و مصاحبه با ۱۲ نفر از مصاحبه شوندگان به حد اشباع رسید (جدول ۱-) و دیگر داده های جدیدی تولید نشد. پس از انتخاب افراد، داده ها از طریق ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع آوری شد، مصاحبه ای که سوالات از قبل مشخص و از تمام مصاحبه شوندگان، پرسش های مشابه ای پرسیده می شود، اما آنها در پاسخ دادن آزادند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲).

کارنمونه گیری و مصاحبه حدود ۲ ماه طول کشید، مدت مصاحبه ۲۵ دقیقه برای هر کدام بود و براساس توافق، مطالب ضبط می شد. و مصاحبه تا رسیدن مرحله اشباع نظری، جمع آوری داده ها به پایان رسید. برای تحلیل داده ها از روش پیشنهادی (اسمیت^۱ ۱۹۹۵، به نقل از ادیب و همکاران، ۱۳۹۲) استفاده شد.

مرحله اول پژوهشگر کل متن را روی کاغذ پیاده کرد، با مقایسه مضامین فرعی و در نظر گرفتن تفاوت ها و شباهت مضامین اصلی بیرون کشیده شد. برای روایی صوری و محتوایی سؤال های مصاحبه قبل از انجام مصاحبه با اساتید رشته علوم تربیتی مشورت شد.

و از تکنیک پایایی همزمان استفاده شد، جهت تعیین اعتبار داده از راهبردهای بازبینی استفاده شد. کدگذاری داده توسط ۲ پژوهشگر توانمند مورد بررسی و تأیید شد. در مرحله دوم نتایج تحلیل و کدبندی های استخراج شده توسط ۳ نفر از مصاحبه شوندگان نیز تأیید شد و پس از طی این مراحل در نهایت قابلیت اطمینان پژوهش نیز حاصل گردید.

جدول ۱- ویژگی های جمعیت شناسی مصاحبه شوندگان در پژوهش

ردیف	کدها	جنسیت	رشته تحصیلی	محل کار	وضعیت
۱	معلم کد ۱	زن	جامعه شناسی	مدرسه	فرهنگی آموزش و پرورش مدارس البرز و قزوین
۲	معلم کد ۲	مرد	مشلوره	مدرسه	فرهنگی آموزش و پرورش مدارس البرز و قزوین
۳	معلم کد ۳	زن	مدیریت آموزشی	مدرسه	فرهنگی آموزش و پرورش مدارس البرز و قزوین
۴	معلم کد ۴	مرد	آموزش ابتدایی	مدرسه	فرهنگی آموزش و پرورش مدارس البرز و قزوین
۵	معلم کد ۵	زن	روان شناسی	مدرسه	فرهنگی آموزش و پرورش مدارس البرز و قزوین
۶	معلم کد ۶	مرد	تحقیقات	مدرسه	فرهنگی آموزش و پرورش مدارس البرز و قزوین
۷	معلم کد ۷	زن	ریاضی	مدرسه	فرهنگی آموزش و پرورش مدارس البرز و قزوین
۸	معلم کد ۸	مرد	الهیات	مدرسه	فرهنگی آموزش و پرورش مدارس البرز و قزوین
۹	معلم کد ۹	زن	شیمی	مدرسه	فرهنگی آموزش و پرورش مدارس البرز و قزوین
۱۰	معلم کد ۱۰	مرد	ادبیات	مدرسه	فرهنگی آموزش و پرورش مدارس البرز و قزوین
۱۱	معلم کد ۱۱	زن	فیزیک	مدرسه	فرهنگی آموزش و پرورش مدارس البرز و قزوین
۱۲	معلم کد ۱۲	مرد	زیست	مدرسه	فرهنگی آموزش و پرورش مدارس البرز و قزوین

یافته ها

براساس نتایج به دست آمده از پژوهش، شناسایی مؤلفه های کاربرست توسعه تعلیم و تربیت در قلمرو مدارس ایران، از نگاه مصاحبه شوندگان مستلزم کاربرست یک سرمقوله های اصلی و فرعی می باشد که در زیر به آنها اشاره می گردد.

مقوله اصلی ۱: شناسایی مؤلفه های کاربرست مقوله های انسانی

براسا نتایج به دست آمده از مصاحبه معلمان به مواردی از جمله؛ توسعه معلم و دانش آموز، تغییر و اصلاح زاویه دید معلم و دانش آموز، روحیه پرسشگری و تفکر انتقادی، تقویت روحیه پژوهش و جستجوگری، شناسایی توسعه، تقویت روحیه خلاقیت و اکتشاف.

* یادآوری: درشناسایی فرق پرسشگری، پژوهش و اکتشاف لازم به ذکر است، هر قدر دامنه پرسش ها عمیق باشد، خیزشگاه پژوهش عمیق می گردد و هرچه تحقیق ژرف تر باشد، گنجینه ی کشف و اختراع حاصل می شود. پرسش ها پیش برنده ی تفکرند، تفکر موتور پژوهش است، مولد کشف و خلاقیت است.

مقوله فرعی ۱: توسعه معلم و دانش آموز

بسیاری از مصاحبه شوندگان توسعه معلم و دانش آموز را یکی از مقوله های مهم در کاربرست توسعه تعلیم و تربیت در مدارس می دانستند؛ برای نمونه ۸ نفر از شرکت کنندگان معتقد بودند، ایده توسعه در صورتی موفقیت آمیز است که قبل از توسعه تعلیم و تربیت، خود معلم و دانش آموز از جنبه انسانی توسعه یافته باشد، اگر قرار باشد توسعه بدون توسعه معلم و دانش آموز صورت گیرد، تلاش و راهی بی معنی و بی فایده است. ۲ نفر از معلمین گفتند، زمانی توسعه معلم صورت می گیرد که ابتدا به نیازهای معلم توجه شود، ۲ نفر از معلمین گفتند توسعه دانش آموزان از کودکی اتفاق می افتد..

مقوله فرعی ۲: تغییر و اصلاح زاویه دید معلم و دانش آموز

معلمان شرکت کننده در مصاحبه، تغییر و اصلاح زاویه دید معلم و دانش آموز را در کاربرست توسعه در مدرسه را یکی از موارد مهم در نظر گرفتند. به عنوان نمونه ۷ نفر از معلمان گفتند موقعی تعلیم و تربیت در مدارس از بُعد توسعه تغییر می یابد که نگاه و دید معلم و دانش آموز تغییر یابد. ۴ نفر از معلمان گفتند اصلاح دانش آموز باید از کودکی آغاز شود، زمانی که نهال است، یعنی باید به خشت اول و پایه توجه شود و شعر ذیل را به زبان جاری کردند.

خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج

مقوله فرعی ۳: روحیه پرسشگری و تفکر انتقادی

معلمان معتقد بودند فرآیند توسعه نباید خالی از روحیه پرسشگری و تفکر انتقادی باشد، باید در مدارس زمینه و بستری فراهم گردد که دانش آموزان سؤال کنند و مسائل و مطالب را نقد کنند نه اینکه معلم انتقال اطلاعات باشد و دانش آموزان بدون استدلال و برهان بپذیرند و حفظ نمایند.

۴ نفر از معلمان گفتند فضای مدرسه باید فضای پرشوی، گفتگو و انتقاد باشد. ۳ نفر از معلمان گفتند بهتر است ما به پرسش های دانش آموزان نمره دهیم نه به پاسخ های آنان، ۲ نفر از معلمان همین جمله را تکرار کردند، البته گفتند به شرط اینکه پرسش عمیق باشد و از چپستی ها عبور کند.

مقوله فرعی ۴: تقویت روحیه پژوهش و جستجوگری

توجه به مبحث پژوهش و جستجوگری در توسعه مدارس از نظر مصاحبه شوندگان یکی از بخش های اصلی برای ارتقاء توسعه در مدارس محسوب می شود. به عنوان مثال ۷ نفر از معلمان گفتند اکتشافی بار آوردن دانش آموزان، میکروسکوپی و دقیق نگاه کردن ریز جزئیات و رونمایی از میثله و پژوهش و جستجوگری بی شک در اسكلت و استخوانبندی توسعه بسیار اهمیت دارد، ۲ نفر از علمان گفتند البته در تحقیق و پژوهش، اقدام پژوهی (پژوهش در عمل) در مدارس کاربرد دارد.

مقوله فرعی ۵: شناسایی توسعه

معلمان معتقد بودند قبل از توسعه باید ابتدا توسعه را شناخت، که توسعه بیشتر در کجا رخ می دهد و به کجا باید بیشتر توجه شود. به عنوان نمونه ۷ نفر از معلمان گفتند درست است که نفت و گاز و معدن از ضروریات هر کشور است، اما توسعه در اینها زیاد اتفاق نمی افتد، توسعه در آموزش و پرورش اتفاق می افتد باید دولت روی آموزش و پرورش بیشتر سرمایه گذاری کند بویژه روی نیروی انسانی، یکی از معلمان گفت؛ باید مثل کشور ژاپن و فنلاند سرمایه ی کشور را نیروی انسانها متمرکز نماییم. ۲ نفر از معلمان گفتند رشد کشور توسعه نیست، ممکن است ما در کشورمان خیلی به رشد رسیده باشیم، اما روی سرمایه های انسانی کوتاهی کرده ایم.

یکی از معلمان گفت پیشرفت یک کشور فقط نفت و گاز و معادن نیست، اینها کمی هستند، باید بصورت کیفی به انسان توجه شود.

مقوله فرعی ۶: تقویت روحیه خلاقیت و اکتشاف

معلمان معتقد بودند که یکی از ارکان توسعه، خلاقیت و اکتشاف است. به عنوان نمونه ۵ نفر از معلمان گفتند متأسفانه تا الان دانش آموزان بجای اکتشافی، اکتسابی بار آمده اند، ۲ نفر از معلمان نظر داشتند که تکالیف زیاد و چارچوب های امتحان، حفظیات متأسفانه جلوی خلاقیت و اکتشاف را گرفته، ۲ نفر از معلمان گفتند پرسشهای دانش آموزان باید خلق کننده اکتشاف

و خلاقیت باشد. یکی از معلمان گفت برگزاری کلاسهای خلاقیت در مدرسه بسیار ثمربخش است. یکی دیگر از معلمان نظر داشت در کشف و اختراع باید رفت و برگشت و دوباره شروع کرد تا نهایت یافت.

مقاله اصل ۲: شناسایی مؤلفه های کاربرست مقوله های آموزشی

بررسی نتایج مصاحبه در ارتباط با کاربرست توسعه تعلیم و تربیت در قلمرو مدارس ایران در مقوله های آموزشی نشان داد که معلمان به مواردی از جمله، بررسی وضعیت موجود آموزش، ترسیم وضعیت مطلوب، تغییرات نگرشی به آموزش، پیوند زدن آموزش مدرسه به تحولات جهانی، تشکیل کارگاهها و آموزش ضمن خدمت اشاره داشتند، مضامین فرعی و نمونه هایی از نقل قول به شرح ذیل می باشد.

مقاله فرعی ۱: بررسی وضعیت موجود آموزش

مصاحبه شوندگان وضعیت موجود آموزش را رشد و پیشرفت کمی دانستند و نه کیفی، ۵ نفر از معلمان گفتند وضعیت موجود بیشتر پاسخ گراست تا پرسشگرا، ۳ نفر از معلمان نظر داشتند وضعیت موجود تاکتیکی و رسیدن به رشد است، نه نگاه به دور رس ها بصورت توسعه و استراتژیک و یکی از معلمان گفت مطالب اکتسابی است نه اکتشافی.

مقاله فرعی ۲: ترسیم وضعیت مطلوب

بسیاری از شرکت کنندگان نظر داشتند وضعیت مطلوب زمانی محقق می شود که به توسعه قدم گذاشته باشیم، ۶ نفر از معلمان گفتند وضعیت مطلوب در پژوهش، پرسش، خلاقیت و اکتشاف و جهانی اندیشیدن حاصل می گردد، ۴ نفر از معلمان گفتند وضعیت مطلوب توجه به ریشه نهال در کودکی است.

۲ نفر از معلمان گفتند کشف جهان در کشف خود اتفاق می افتد، یعنی بازگشتن به خویشتن خویش.

مقاله فرعی ۳: تغییرات نگرشی به آموزش

بسیار از معلمان گفتند باید نگرش مسئولین به آموزش و پرورش عوض شود و آموزش را در کشور مهم جلوه دهند. ۳ نفر از معلمان گفتند باید جهانی بیندیشیم، ۲ نفر از معلمین نظر داشتند که جهانی اندیشیدن کشف خود در جهان است، یکی از

معلمین گفت باید تمرکزگرایی و نگرش از بالا به پایین حذف شود. ۳ نفر از معلمین گفتند در نگرش ماقبل از ایجاد انگیزه آموزشی و درسی در مدرسه باید ابتدا احیای انگیزه آموزشی و درسی نماییم، متأسفانه امروزه بخاطر مشکلات مادی انگیزه درس خوانده انگار مُرده، پس باید اول احیای انگیزه ایجاد نماییم بعد ایجاد انگیزه

مقاله فرعی ۴: پیوند زدن آموزش مدرسه به تحولات جهانی

بسیار از شرکت کنندگان امروزه دهکده جهانی است باید مدرسه را به جهان پیوند بزنیم و جهانی بیندیشیم. به عنوان نمونه ۴ نفر از معلمان گفتند جهانی اندیشیدن باید از معلم شروع شود، معلم سرمنشأ تغییر است، ۲ نفر از معلمان گفتند تغییرات زمانی حاصل می شود که خود نیز تغییر کنیم. یکی از معلمان گفت: البته جهانی اندیشیدن خوب است اما باید برگردیم به ریشه و خویشتن خویش، رشد درخت ابتدا از ریشه شروع می شود نه از ساقه و برگ.

مقاله فرعی ۵: تشکیل کآگاهها و آموزش ضمن خدمت

برخی از مصاحبه کنندگان معتقد بودند تشکیل کارگروههای توانمند، ایجاد کارگاههای آموزشی و برگزاری ضمن خدمت بسیار ثمربخش است، ۲ نفر از معلمان گفتند برای تغییر شیوه کار معلم باید کلاسهای ضمن خدمت برگزار شود. ۲ نفر از معلمان نظر داشتند گسترش رسانه و مواد آموزشی و ابزار و تکنولوژی در مدرسه هم اهمیت دارد.

مقاله اصلی ۳: شناسایی مؤلفه های کاربست مقاله های مدیریتی

از جمله زیرمقاله های مدیریتی برای کاربست توسعه در مدارس توجه مدیران به آموزش و پرورش، حمایت مالی، تغییرات نگرشی مدیران، ایجاد چشم انداز به آینده می باشد. به مضامین فرعی و نمونه هایی از نقل قول ها در ذیل اشاره می گردد.

مقاله فرعی ۱: توجه مدیران به آموزش و پرورش

بسیاری از معلمان معتقد بودند آموزش و پرورش یکی از ارکان مهم کشور است لذا باید توجه ویژه شود. ۳ نفر از معلمان گفتند: موتور توسعه آموزش و پرورش است. ۳ نفر از معلمان اظهار داشتند اسناد تحولی و سند بنیادین مهم است. اما تحول در انسان ایجاد می شود لذا سیاستمداران و تصمیم گیران آموزشی باید بیشتر به معلمان توجه نمایند و این معلم هست که می تواند کشور را متحول سازد.

مقاله فرعی ۲: حمایت مالی

تعدادی از مصاحبه شوندگان کاربست توسعه د رمدارس را منوط به حمایت مالی و تأمین بودجه و اعتبارات لازم برای آن می دانستند. ۴ نفر از معلمان گفتند: درست تلاش کردن و خلاقیت و پژوهش در مدرسه از اهمیت خاصی برخوردار است ولی اگر موضوع را به شکل عمیق بررسی کنیم، می بینیم که بدون حمایت مالی زمینه سازی اثربخش نخواهد بود.

مقوله فرعی ۳: تغییرات نگرشی مدیران

برخی از مصاحبه شوندگان اذعان داشتند نباید آموزش و پرورش را مصرفی بدانیم، چون مدرسه تولید فرهنگ جامعه است و از همه ی تولیدها مهم است و دیگر اینکه سرمنشأ همه تولیدها از مدرسه برمی خیزد، ۲ نفر از معلمان گفتند علل عدم تغییر نگرش مدیران به مدارس، نشناختن مزایای تغییر و ازد دست ندادن مزایای موجود است.

یکی از معلمان گفت: نگرش مدیران تعلیم و تربیت به مدرسه نباید عمود باشد. یکی دیگر از معلمان گفت: نگرش مدیران به تعلیم و تربیت نباید کوتاه مدت باشد باید به دوررس ها و پلان های آینده سرکشید.

مقوله فرعی ۴: ایجاد چشم انداز به آینده

بسیاری از شرکت کنندگان مصاحبه باید توسعه را به آفتاب آینده بیندازیم و نقشه و کروکی و به پلان آینده فکر کنیم، ۲ نفر از معلمان گفتند رونمایی از مسئله توسعه آینده است، ۳ نفر از معلمان گفتند موتور توسعه آیمده کودکان هستند، باید برای چشم انداز آینده براساس و پایه ها توجه شود، که همان فهم کودکی است. همان سرمایه گذاری در کودکی است.

جدول ۲- مقوله های اصلی و فرعی شناسایی مؤلفه های کاربست توسعه د ر قلمرو مدارس ایران

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی
انسانی	توسعه معلم و دانش آموز تغییر و اصلاح زاویه دید معلم و دانش آموز روحیه پرسشگری و تفکر انتقادی تقویت روحیه پژوهش و جستجوگری شناسایی توسعه تقویت روحیه خلاقیت و اکتشاف

آموزشی	بررسی وضعیت موجود آموزش ترسیم وضعیت مطلوب تغییرات نگرش به آموزش پیوند زدن آموزش مدرسه به تحولات جهانی تشکیل کارگاهها و آموزش ضمن خدمت
مدیریتی	توجه مدیران به آموزش و پرورش حمایت مالی تغییرات نگرشی مدیران ایجاد چشم انداز به آینده

بحث و نتیجه گیری

امروزه که نجوای مستمر انتخاب، فرصت و تغییر در تعلیم و تربیت طنین انداز است و تمنای مداوم توسعه از مهم ترین و پرتکرارترین مفاهیم تعلیم و تربیت است و رونمایی مسئله و پیدا کردن راه حل ها از اهمیت به سزایی برخوردار است، لذا به کارگیری افراد توانمند در توسعه نیازمند پرورش مجموعه منظومه شایستگی ها از جمله نگرش، توانمندی، آینده نگری و دیگر ویژگی لازم می باشند، واز آنجا که گویاترین، روان ترین و نافذترین شیوه در توسعه تعلیم و تربیت بهره مندی از دیدگاه صاحب نظران است و توسعه به مثابه نقش خون در شریانها، قلب و پیکر جامعه لازم است و گویا مدرسه و معلمان و دانش آموزان دروازه ورود به توسعه جامعه هستند و فعالیتهای درست معلمان مدرسه ما را به حقیقت توسعه بیشتر نزدیک می کند و بهره گیری از توسعه نقش به سزایی در کسب شایستگی های لازم برای معلمان و دانش آموزان دارد. از این رو یافته های این پژوهش در خصوص سؤال اصلی این تحقیق نشان داد که شناسایی مؤلفه های کاربرست توسعه تعلیم و تربیت در قلمرو مدارس ایران با دریچه سه عینک مستلزم توجه به سه مقوله اساسی از جمله، انسانی، آموزشی و مدیریتی است و یافته های بدست آمده از کاربرست مقوله انسانی در شناسایی مؤلفه های کاربرست توسعه در قلمرو مدارس ایران، شامل ۶ زیرمجموعه توسعه معلم و دانش آموز، تغییر و اصلاح زاویه دید معلم و دانش آموز، روحیه پرسشگری و تفکر انتقادی، تقویت روحیه پژوهش و جستجوگری، شناسایی توسعه و تقویت روحیه خلاقیت و اکتشاف بود. قربانی (۱۴۰۲)، کریمی (۱۳۹۵)، فاضلی (۱۴۰۱)، فریره (۱۹۷۴)، رنانی (۱۳۹۷)، کریمی (۱۴۰۲) محمدی (۱۳۹۷)، آرنت (۱۴۰۰)، ویلینگهم (۲۰۰۹) نیز به نتایجی اشاره کرده اند، که با این یافته همخوانی دارد. درخصوص شناسایی

مؤلفه های کاربردی توسعه تعلیم و تربیت در قلمرو مدارس ایران می توان استدلال کرد که از آنجایی که ذات تعلیم و تربیت در مدرسه به توسعه آن وابسته است لذا دست اندرکاران و مسئولین تعلیم و تربیت باید با تأکید بر این جنبه مهم، روشهای تقویت روحیه پرسشگری، تفکر انتقادی، خلاقیت و اکتشاف، جنبه های تغییر، پارامترهای توسعه را شناسایی و در قالب یک تدابیر ترکیبی تدارک ببینند، تا همین عوامل منجر به تحول و دگرگونی تعلیم و تربیت در مدارس از جنبه انسانی گردد، بویژه توجه به پایه دوران کودکی.

یافته دیگر این پژوهش در ارتباط با مقوله آموزشی توسعه تعلیم و تربیت بیانگر ۵ زیر مقوله از جمله؛ بررسی وضعیت موجود آموزش، ترسیم وضعیت مطلوب، تغییرات نگرش به آموزش، پیوند زدن آموزش مدرسه به تحولات جهانی و تشکیل کارگاه و آموزش ضمن خدمت بود. درخصوص این نتایج، فاضلی (۱۴۰۱)، خفیر و همکاران (۱۳۸۹)، نظری (۱۳۹۷)، رنایی (۱۳۹۷)، قربانی (۱۴۰۲)، کریمی (۱۴۰۱)، دسلر (۱۳۷۲) و کریمی (۱۳۹۵) نیز نتایج مشابهی را گزارش کرده اند. در ارتباط با مقوله آموزشی توسعه تعلیم و تربیت در مدارس می توان گفت که عوامل دخیل در وضعیت موجود و وضعیت مطلوب آموزش از جمله معلم و دیگر افراد باید یک سری ویژگی داشته باشند تا توسعه اثربخش گردد، اول اینکه نگرش و لنز دیدمعلمان و دانش آموزان در نگاه به آموزش تغییر یابد، مدرسه به تحولات جهانی پیوند زده شود. محتوا آموزشی از نیازهای دانش آموزان نشأت گرفته باشد، فضای مدرسه از روحیه پرسشگری، تفکر انتقادی، گفتگو و مشارکت و پژوهشپژشود، با خروج از محصول -مداری، نمره مداری به سؤال مداری و جریان مداری روی آورند، احساس نیاز شدید به ضرورت های تحول آموزشی در مدارس هویدا شود، قبل از ایجاد انگیزه آموزشی ابتدا احیای انگیزه آموزشی صورت گیرد، چشم انداز و کروی و نقشه و پلان آینده درست ترسیم گردد.

در ارتباط با مقوله مدیریتی توسعه تعلیم و تربیت در مدارس، نتایج شامل ۴ زیرمقوله از جمله؛ توجه مدیران به آموزش و پرورش، حمایت مالی، تغییرات نگرشی مدیران و ایجاد چشم انداز به آینده بود. درخصوص این نتایج، خفیر و همکاران (۱۳۸۹)، نظری (۱۳۹۷)، کریمی (۱۳۹۵)، قربانی (۱۴۰۲) و فاضلی (۱۴۰۱) نیز نتایج مشابهی را گزارش کرده اند. کاربردی توسعه در مدارس از جنبه مدیریتی نیازمند یک چشم انداز دقیق، یک برنامه ریزی بلند مدت با نیروهای انسانی متخصص و کارآمد اتخاذ استراتژی جدید، اعمال تغییرات همه جانبه، تشکیل اتاق فکر و تخصیص اعتبار و بودجه کافی است، از آنجا که معلمان خط مقدم تعلیم و تربیت هستند، لذا استفاده از نظرات و دیدگاه های آنها در ایجاد توسعه در مدارس و همچنین در صورت امکان تفویض بعضی اختیارات و مسئولیت ها به آنها می تواند، اثربخش باشد.

باتوجه به نتایج این پژوهش به طور کلی می توان گفت، از آنجا که هنر ناب اندیشمندان، اندیشیدن است. با اندیشیدن است که پرسیدن زاده می شود و در پی پرسیدن، کاویدن و پژوهیدن آغاز می شود و در فرجام پژوهیدن، پرسش های دیگر از جنس

و فصلی دیگر در برابر ذهن ناآرام اندیشند پدیدار می شود، لذا از اندیشمندان و صاحب نظران تعلیم و تربیت، سیاست گذاران و دست اندرکاران آموزشی انتظار می رود چرایی و چگونگی توسعه در مدارس را به ییلاق ذهن آورده و در ره آورد آن از پتانسل معلمان نیز استفاده نمایند و در پایان در راستای این پژوهش پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی نیز ارائه می گردد.

پیشنهادهای کاربردی

۱. در راستای ایجاد توسعه در مدارس، پیشنهاد می گردد یک اتاق فکر متشکل از سیاست گذاران، دست اندرکاران و صاحب نظران تعلیم و تربیت در سطح کشور و همین منوال در سطح مدارس تشکیل گردد، چون ترکیب عقل‌ها، تبادل اندیشه و مشورت از ضروریات است.

عقل با عقل دگر دو تا شود نورافزون گشت و ره پیدا شود

مشورت در کارها واجب شود تا پشیمانی در آخر کم شود

عقل قوت گیرد از عقل دگر نی شکر کامل شود از نیشکر

۲. پیشنهاد می گردد که درد توسعه نیافتگی تعلیم و تربیت پیدا شود و با نظر صاحب نظران تعلیم و تربیت دواي متناسب برای آن در نظر بگیرند، و دارو میزان به آن درد سرازیر شود.

هر کجا دردی، دوا آنجا رَوَد هر کجا پستی‌ست، آب آنجا دَوَد

هر کجا مشکل، جواب رَوَد هر کجا کشتی ست، آب آنجا دَوَد

۳. سفارش می گردد قطره‌های تعلیم و تربیت را به دیار متصل نمایند (یعنی پیوند به دریای جهان) قطره‌یی دانش که بخشیدی زبیش - متصل گردان به دریا‌های خویش.

۴. پیشنهاد می گردد که این قطره‌ها (منظور دانش‌آموزان) را دریابند، در توسعه می توان از قطره‌ها مروارید و از سنگ ریزه‌ها دُرّو گوهر ایجاد کرد.

قطره گرچه خُرد و کوتاه پابود لطف آب بحراز او پیدا بود

لطف آب بحر، کوچون کوثر است سنگ ریزه‌اش جمله دُرّ و گوهر است

۵. سفارش می گردد برای تحقق توسعه به خشت اول، پایه کودکی بیشتر توجه شود، تا بنای توسعه درست چیده شود و بعدها دیوار توسعه تعلیم و تربیت کج نشود. تا نتیجه آبادانی توسعه باشد نه ویرانی.

خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج

هیچ عاقل نسازد خانه ای که شود از عطسه‌ای ویرانه ای

۶. پیشنهاد می شود سخنانی در تعلیم و تربیت گفته شود که از دانش معتبر و منابع ارزنده باشد، عقل ترازوست و کارترازو سنجش است، باید مثل زر سنجید و خوب وزن کرد و آنگاه مطالب را ارائه داد.

سخن باید به دانش درج کردن چو زرسنجیدن آنگه خرج کردن

۷. سفارش می گردد که معلمان با اساتید و نویسندگان مشورت نمایند و منابع آنها را بخوانند تا عیب کار را در مدارس بشناسند تا از نهان و آشکار تعلیم و تربیت مطلع شوند.

روز می بینی تو و من روزگار کار می بینی تو و من عیب کار

من نهان را بینم و تو آشکار تو یکی می دانی ، اما من هزار

۸. پیشنهاد می گردد که دردهای تعلیم و تربیت را با صاحبان درد در میان گذاشته شود تا درد آموزش درست شناسایی شود.

بیان درد مکن جز برای صاحب‌درد من اهل دردم و دامن دوا می صاحب‌درد

۹. سفارش می گردد که اگر پژوهشگر در ارائه مطالب خود اشتباه و خطایی دارد، که هیچ پژوهشی خالی از عیب نیست، چئن تعلیم و تربیت دریاست، توصیه شود که برای پژوهش‌های بعدی اصلاح گردد.

گر خطا گفتیم، اصلاحش تو کن مصلحی تو، ای تو سلطان سخن

۱۰. پژوهشگر، اندیشه‌ی کسانی را که طالا بلعیده‌اند، شکافته، غسل‌های ناب تعلیم و تربیت جمع کرده، پیشنهادات و مطالب تازه و بکر فراوان دارد، اما بحال این تحقیق نیست، سخن و قلم مثل آهنربا به طرف هم کشیده می‌شوند، گاهی رهایی از آن غیرممکن است، اما فرصت نیست، هزاران نکته دردل باقی ماند.

بس قلم گوید سخن را مرحبا! باتوهستم چون آهنی آهنربا
هزاران نکته اندر دل نهفتیم یکی بود از هزار، اینها که گفتیم

پیشنهادهای پژوهش

۱. نظربه اینکه پژوهشگر در پژوهش حاضر از تحقیق دانشگاهی استفاده، اما در عمل و کاربرد در مدارس «اقدام پژوهی» ثمربخش است، توصیه می‌گردد برای رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب، از اقدام پژوهی در مدارس استفاده شود.
۲. در تحقیق، هنرناب پژوهشگر اندیشیدن و پرسش است، با اندیشیدن است که پرسیدن زاده می‌شود و در پی پرسیدن، کاویدن و پژوهیدن آغاز می‌شود در فرجام پژوهیدن، پرسش‌های دیگر از جنس و فصلی دیگر در برابر ذهن ناآرام پژوهشگر پدیدار می‌شود، لذا پیشنهاد می‌گردد در تحقیق به پرسش زیاد اهمیت داده شود.
۳. شاید دانایی پژوهشگر دراین پژوهش به پایان رسیده باشد، پیشنهاد می‌شود دانایی خوانندگان از جایی آغاز شود که دانایی محقق به پایان رسیده تا در تعلیم و تربیت طرحی نو درانداخته شود.

منابع

- آرنٲ، هانا (۱۴۰۰). وضع بشر، ترجمه: مسعودعلیا، تهران: ققنوس.
- اذیب حاج باقری، محسن، پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی، تهران: ناشر: نشر و تبلیغ بشری.
- باقری، خسرو (۱۳۹۹). رویکردها و روشهای پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، ناشر: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پل، ریچارد، الدر، لیندا (۱۴۰۳). مجموعه تفکر نقاد، مترجم: گروه ترجمان، تهران: ناشر: اختران.
- تافلر، آلوین (۱۴۰۱). شوک آینده، ترجمه: حشمت الله کامرانی، انتشارات: فرهنگ نشر نو.
- حسن زاده، رمضان (۱۴۰۰). روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر: ساوالان
- خنیفر، رحمتی و رستمی پور (۱۳۸۹). مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، تهران، انتشارات: نورالثقلین.
- داوری اردکانی، رضا (۱۴۰۱). نقد تجدد و درد توسعه نیافتگی، تهران، نقد فرهنگ.
- داوری اردکانی، رضا (۱۴۰۱). تعلیم و تربیت در ایران، تهران، انتشارات: سخن.
- دسلر، گری (۱۳۷۲). مبانی مدیریت، ترجمه: داود مدنی، تهران، انتشارات: پیشرو.
- دلاور، علی (۱۳۸۹). روشهای تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، انتشارات: دانشگاه پیام نور.
- رنانی، محسن (۱۴۰۲). مسئله توسعه در ایران، تهران، شرق.
- رنانی، محسن (۱۳۹۷). تفاوت رشد، پیشرفت و توسعه، تهران، مشق شب.
- رنانی، محسن (۱۳۹۷). غفلت از آموزش و پرورش یعنی غفلت از توسعه، تهران، مشق شب.
- رنانی، محسن (۱۳۹۷). کودکی و توسعه در ایران، تهران، انتشارات: مشق شب.
- رنانی، محسن (۱۴۰۱). گفتگوهای توسعه: روایت مقصود فراستخواه از مسأله توسعه ایران، تهران، طرح نو.

- رنانی، محسن (۱۴۰۰). روایت محمود سریع القلم از مسأله توسعه در ایران، تهران، طرح نو.
- زیمل، گئورگ (۱۳۹۹). شوپنهاور و نیچه، ترجمه: شهناز مسمی پرست، تهران، نشر علم.
- سیف الهی، وجه الله (۱۳۸۷). راهنمای اقدام پژوهی در آموزش و پرورش، گیلان، نشر گیلان.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت و شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- طالب، نسیم نیکلاس (۱۳۹۹). قوی سیاه، اندیشه‌ورزی پیرامون ریسک، ترجمه: محمدابراهیم محجوب، تهران، آریانا قلم.
- فاضلی، نعمت الله (۱۴۰۱). مسئله مدرسه - بازاندیشی انتقادی در آموزش و پرورش ایران، تهران، هوش ناب.
- فاضلی - نعمت الله (۱۳۹۷). مدرسه به مثابه‌ی میدان معنا - دیدگاه و بحثی درباره‌ی آینده‌ی مدرسه در ایران، تهران، مشق شب.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۲). راهنمای معلمان پژوهنده، لوح زرین.
- قربانی، حسین (۱۴۰۲). روایت محمدرضا سرکارآرانی از مسئله توسعه در ایران، تهران، شرق.
- کریمی، صدیقه، نصر، احمدرضا (۱۳۹۲). روش‌های تجزیه و تحلیل مصاحبه، نشر پژوهش، سال ۴، شماره ۳.
- کروگروس، مایکل (۱۴۰۳). سؤال، تهران، انتشارات: ققنوس.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۵). آموزش علیه آموزش، تهران، قدیانی.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۴۰۳). پاسخ‌های غیرعادی به پرسش‌های خیلی عادی - نگرش و اندیشیدن از نوع دیگر، تهران، انتشارات: قدیانی.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۴۰۲). چگونه ندانیم و نخواهیم - فضیلت ندانستن، نداشتن و نخواستن، تهران: منادی تربیت.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۴۰۲). غایت‌های وارونه برداشت‌های ممنوعه، تهران، انتشارات: منادی تربیت.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۶). درستایش هیچ آموزی، نشر قدیانی.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۴۰۱). تربیت چه چیز نیست، تهران، منادی تربیت.
- گال، مردیت، والتر، گال، جویس (۱۳۸۳). روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. مترجمان: نصر، احمدرضا، عربی، حمیدرضا، دلاور، علی، باقری، خسرو، پاک سرشت، محمدجعفر، ابوالقاسمی، محمود، علامت سلز، محمدحسین، کیامنش، علیرضا، خوینژاد، غلامرضا). تهران: انتشارات سمت، دانشگاه شهید بهشتی.

- محمدی، جعفر (۱۳۹۷). تنها راه اصلاح ایران در ۳۰ سال آینده؛ اصلاح خشت اول در شش سال نخست زندگی. تهران، مشق شب.

- نظری، مرتضی (۱۳۹۷). گفتارهای انتقادی در آموزش و پرورش ایران، تهران، مشق شب.

- نظری، مرتضی (۱۳۹۷). بیست تغییر ضروری در آموزش و پرورش، تهران، انتشارات: مشق شب.

Aple. Michael (2010) can Education chang society. Country: America.

Freireh. Paulo (1924) Education for critical cons cioasness country of public cation: united kingdom. Publisher: continuum.

Krishnamurti. Jidu (1953) Education and the significance of life. Place of pubnication: New york, united states, Publisher: Harper and Brothers, language: English.

Peters and Rika sodden (2000) the Rol of critical thinking in Modern Education. Publisher: Tay;or and frncis.

Willingham. Sanial. T (2009) whay Don't Students like school. Country: Virginia America.